

اصلی احزاب که آموزش دموکراسی بوده، موفق نبودند. از آنجایی که در تحولات سیاسی ایران افراد کاریزما بیشتر از احزاب نقش داشتند، با نبود احزاب، آنان نتوانسته‌اند چندان فعالیت داشته باشند. احزاب مردم‌سالاری در عین این‌که قائل به تساوی حقوق زن و مرد بودند، ولی همچنان به بهانه بی‌تجربگی زنان از دخالت دادن زنان در مشارکت سیاسی پرهیز می‌کردند.

در پی اصلاحات فرمایشی حکومت پهلوی، زنان تجربه فعالیت سیاسی مساوی با مردان را کسب کردند، که این با تشکیل دانشگاه در ایران و تحصیلات عالی برای زنان، نقش بیشتری را در احزاب ایفاء و موفقیت‌هایی هم کسب کردند. دلیل عمده‌ای که زنان را از فعالیت سیاسی باز می‌داشتند، تضاد بین رفتار سیاسی و خشونت‌های رفتار ناشی از آن و خلیقات زمانه و انتظارات مردان از زنان در زندگی عادی بوده است. مردان عادی، مانع حضور زنان در مجامع حزبی می‌شدند، زیرا دوست نداشتند از زنان آنان برای منافع سیاسی استفاده شود و مردان مذهبی هم به جهت این‌که بر اساس آموزه‌های دینی خود، ارزشی بیشتر از خانه‌داری برای زن قائل نبودند مانع از شرکت زنان در احزاب می‌شدند.

در دوران انقلاب زنان با استفاده از تجربیات خود در دوران فعالیت مشروطه، استبداد صغیر و نهضت ملی نفت پایه پای مردان وارد عرصه شدند، ولی بعد از پیروزی، مجدداً به حاشیه رانده شدند و در شکل‌های مرکزی راه نیافتند. در دو دههٔ اخیر، دوباره شروع به فعالیت نمودند تا این‌که دوباره به حقوق‌هایی که در اواخر دوران پهلوی کسب کرده بودند برسند. در دوران‌های اخیر گرچه در مرکزیت به زنان نقش دادند ولی چون احزاب باید مذهبی باشند نمی‌توانند جسارت تصمیم‌گیری معطوف به هویت زنانه خود را ابراز کنند. در نهایت این‌که فضای سیاسی ایران آنچنان مردانه و رقابت‌آلود و خصمانه می‌باشد و خود را نمی‌توانند تحمل کنند، که عدم تحمل زنان بلا موضع است.

مشروعیت عملیات استشهادی، از دیدگاه فقهای معاصر شیعه و اهل سنت

امیر ملامحمدعلی

بازتاب اندیشه ۷۰

۱۰۹

گزارش‌ها

فصلنامهٔ حصون، ش ۵، پائیز ۸۴



دفاع در مقابل دشمن، یک امر فطری و عقلی است و هر قوم و ملتی، با توجه به توانایی‌هایی که دارد، از شیوه‌ها و ابزار دفاعی مناسب حال خود، استفاده می‌کند. یکی از روش‌های دفاعی که اخیراً مجاهدین مسلمان در سرزمین‌های اشغال شده مسلمان به‌خصوص سرزمین

فلسطین علیه نیروهای متجاوز و اشغالگر به کار گرفته‌اند، عملیات استشهادی است.

الف: اقوال فقهاء معاصر شیعه

علامه سید محمد حسین فضل الله می‌گوید: «عملیات شهادت طلبانه ابزاری برای جهاد در برابر دشمن است. خداوند جهاد را بر مسلمانان واجب کرده است. در صورتی که شروط شرعی جهاد تحقق یابد، باید با استفاده از همه ابزارهایی که به دشمن زیان می‌رساند و اهداف اسلام را تأمین می‌کند به جهاد پرداخت. برخی درباره عملیات شهادت طلبانه به آیه‌ای از قرآن اشاره می‌کنند که می‌گوید: «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»^۱ خود را با دست خود به هلاکت می‌فکنید، گمان می‌کنند هر عملیاتی که انسان می‌داند، در جریان آن کشته می‌شود؛ عملیات انتحاری و در اسلام حرام است. در حالی که در مورد امور فردی و شخصی، به هلاکت افکندن خود حرام است، نه در مسئله جهاد، زیرا اساس جهاد این است که، انسان در معرض خطر و کشته شدن قرار گیرد.

تحلیل و ستایش امام خمینی علیه السلام از شهید فهمیده و از او با این عظمت و بزرگی یاد کردن، نشان دهنده تأیید عمل او می‌باشد، و عمل آن شهید عزیز هم، یک عمل استشهادی بود.

آیت الله فاضل لنکرانی: ایشان طی پیامی در فروردین ۱۳۷۵ ه. ش اقدام به اعمال شهادت طلبانه و دست زدن به هر نوع مقاومت و جهاد و آمادگی در مقابل اسرائیل را، بدون حد و مرز واجب دانستند.

شیخ الشریعه اصفهانی در پاسخ به استفتایی در خصوص حمله روس، انگلیس، فرانسه، ژاپن، بلژیک، صرب و مونتنگرو به دولت عثمانی، ضمن واجب شمردن دفاع از بلاد مسلمین، بر همه فرق اسلامی، به آیه مبارکه «... تَرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ»^۲ استناد می‌جوید.

آیت الله مکارم شیرازی: هر گاه این کار تنها راه دفاع از جان و نوامیس مسلمین یا کیان اسلام باشد، اشکالی ندارد.

آیت الله گرامی: اگر طرد دشمن بدون عملیات استشهادی ممکن نباشد، ظاهراً جایز می‌باشد، و این مسئله طوری است که، اگر جایز باشد واجب می‌شود، بعید نیست مطلقات دفاع و جهاد از باب اهم و مهم، دلیل جواز عملیات استشهادی باشد. در صورتی که هیچ راه دیگری برای دفع دشمن نباشد.

آیت الله نوری همدانی: ایشان عملیات استشهادی را، یک نوع جهاد دانسته و مانند کار شهید محمد حسین فهمیده می‌داند، و می‌گوید: ادله جهاد، شامل این نوع عملیات می‌شود.

بازتاب اندیشه
۱۱۰
گزارش‌ها

آیت الله موسوی اردبیلی: ایشان عملیات استشهادی را، در صورتی جایز می‌دانند که، مصلحت اهمی مثل دفاع از اسلام و مسلمین متوقف بر آن باشد، و لازم است با اجازه مجتهد جامع‌الشرایط انجام شود.

آیت الله مؤمن می‌گوید: «عملیات مزبور، مصداق حمله جهادی است که، به شهادت حمله کننده می‌انجامد. ایشان در مورد دلیل فقهی این نوع عملیات می‌گویند: «جمع بین ادله جهاد و وجوب حفظ جان»، آن را اقتضاء دارد».

آیت الله نمازی می‌گوید: عملیات استشهادی با تعریف و شرایط ویژه خود جایز است. از نظر ایشان ادله فقهی عملیات استشهادی عبارت است از: ۱. عقل ۲. اطلاق ادله جهاد از آیات و روایات ۳. وجوب دفاع از حوزه اسلام و مسلمین ۴. وجوب دفاع از تعرض دشمنان، به اموال و نوامیس مسلمانان.

ب: اقوال فقهاء معاصر اهل سنت

وهبة الزحیلی می‌گوید: زمانی که در برخورد با دشمن حربی مثل یهود، لازم و ضرورت باشد عملیات شهادت طلبانه انجام شود و عملیات نیز با اذن حاکم شرع انجام شود، و این نوع عملیات ترس و وحشت در دشمن ایجاد کرده و باعث قطع تجاوز دشمن شود جایز است، این نوع عملیات قهرمانانه تحولات مهمی را در جلوگیری از تجاوز مستجاوزین به وجود می‌آورد.

محمد سعید رمضان البوطی می‌گوید: این نوع عملیات صددرصد مشروع است، در صورتی که قصد مجری عملیات ضربه زدن و کشتن دشمنان باشد، نه ریختن خون خودش، و اگر قصد کشتن خود را داشته باشد این خودکشی می‌شود.

جمعیت علماء فلسطین این‌گونه فتوا صادر کرده است: این عملیات استشهادی، یک نوع جهاد در راه خدا به شمار می‌رود. مشروعیت این‌گونه عملیات از کتاب و سنت و اجماع به وضوح استنباط می‌شود. اگر یک نفر مسلمان به هزار نفر دشمن حمله‌ور شود، اگر نیت وی از این کار پیروزی بر آنان و وارد آوردن خسارت و ترساندن آنها باشد، اتفاق دارند که این کار جایز است و مصداق این آیه قرآن است: «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ...» تمام ادیان آسمانی و قوانین بین‌المللی دفاع ملت‌ها را، از وطن خود و جنگیدن با دشمن متجاوز را، با هر وسیله جایز دانسته‌اند.

همام سعید می‌گوید: پیامبر اسلام ﷺ مقابله با دشمن و در معرض قتل قرار گرفتن را، از بالاترین انواع جهاد دانسته و بالاترین مقام و منزلت است اسلام همیشه تشویق و ترغیب به شهادت طلبی کرده است. پس اعمال جهادی که موجب شهادت می‌شود و ضرر و اذیت بسیار بر دشمن وارد می‌سازد، اعمالی مشروع است.

عبدالله بن منیع می‌گوید: شکی وجود ندارد که، عملیات شهادت طلبانه در راه خدا بر ضد دشمنان خدا و رسول او و دشمنان مسلمین، موجب تقرب و نزدیکی مجاهد مسلمان به خداوند می‌شود. و شکی وجود ندارد که این نوع عملیات، برترین باب جهاد در راه خداوند است.

محمد سید طنطاوی شیخ الازهر می‌گوید: این که مسلمانی خودش را، در میان دشمنان اسلام منفجر می‌کند این دفاع و نوعی شهادت است. عملیات استشهدادی از برترین واجبات و بهترین شکل فداکاری در اسلام است.

شیخ احمد کفتارو، مفتی اعظم سوریه در این رابطه می‌گوید: ایشان عملیات شهادت طلبانه علیه صهیونیست‌ها را، جایز و مشروع دانسته و تأکید می‌کند که این عملیات، باید منضبط به مبانی جهاد در اسلام باشد. از آن جمله این که مقصود و مراد، دفاع از امت اسلامی و متوجه ظالمان، محاربان و حامیان آنان در جامعه صهیونیستی بوده و در چارچوب برنامه‌ای کلی و ضامن مصلحت امت اسلامی باشد.

یوسف قرضاوی، از علمای مشهور عرب به این استدلال که اسرائیل به صورت یک سربازخانه اداره می‌شود، و هر بار که اتفاقی علیه دنیای اسلام باشد همگی خود را سرباز می‌دانند، هر نوع حمله به تجمع اسرائیل را جایز شمرد، و به دنبال این رأی، آرای شافعی، ابن کثیر، طبری، صاحب المنار، قرطبی و امام مصباحی الحنفی را ایست کرد که، همگی در چنین شرایطی فتوا به وجوب عملیات استشهدادی می‌دهند.

ج: شرایط عملیات استشهدادی

۱. دفاع از اسلام و مسلمین، متوقف بر انجام این نوع عملیات باشد.

۲. با اجازه حاکم شرع انجام شود.

علامه سید محمد حسین فضل الله درباره این شرط می‌گوید: مسئول تشخیص ضرورت انجام عملیات استشهدادی به طور قطع، دستگاه رهبری شرعی است. دستگاه رهبری شرعی هم برای تشخیص این وضع باید به اهل خبره رجوع کند. زمانی که برنامه روشن شد و ابعاد موضوع بررسی شد و رهبری به این نتیجه رسید که عملیات استشهدادی ضرورت دارد، دستور اقدام به آن را، صادر می‌کند.

۳. افراد بی‌گناه کشته نشوند، البته منظور از افراد بی‌گناه کودکان، زنان، سالخوردهگان و کسانی هستند که در تجاوز و اشغالگری و مساعدت به متجاوزین و اشغالگران هیچ نقشی نداشته باشند. و اگر این افراد به نحوی از انحاء دشمن متجاوز و اشغالگر را یاری و کمک نمایند در حکم دشمن هستند و کشتن آنها جایز است.

در اسرائیل وضع از نوع دوم است، زیرا جامعه اسرائیل اساساً یک جامعه نظامی به

حساب می‌آید. در این جامعه زنان و مردان همگی تکالیف و مأموریت‌های نظامی بر عهده دارند، و افراد به دو گروه در حال خدمت و ذخیره احتیاط تقسیم می‌شوند، افراد به دلیل پیوند سیستماتیک خود با ارتش، نظامی محسوب می‌شوند.

حامد الگار در این رابطه می‌گوید: «در اسرائیل اکثر افراد یا نظامی بوده یا هستند و یا این‌که خواهند شد، و حق امنیت در آن سرزمین، اشغالی ندارند، البته تا به حال کوشش شده که مستقیماً مثلاً به کودکانها و مدارس و حتی به کنیسه‌ها حمله نشود.»

۴. انجام این عملیات به منظور اعتلاء کلمه حق، و به قصد ضربه زدن به دشمن و دفع تجاوز باشد.

۵. این عملیات باید علیه کفاری انجام شود که، کشورهای اسلامی را اشغال کرده و یا اعلان جنگ با مسلمین کرده‌اند و با مسلمین در حال جنگ هستند نه همه کفار.

۶. مجری عملیات باید قطع و یا ظن غالب به این داشته باشد که، انجام عملیات موجب کشته یا زخمی شدن و یا شکست دشمن می‌شود، و یا جرأت به مسلمانان علیه کفار و اشغالگران می‌دهد و یا موجب تضعیف دشمنان متجاوز می‌شود.

۷. مصلحت اسلام و مسلمین مقتضی چنین عملیاتی باشد.

د: تفاوت عملیات استشهادی با انتحار

مخالفین عملیات شهادت طلبانه به بهانه اینکه، این نوع عملیات انتحار و خودکشی است و خودکشی در اسلام مورد نهی قرار گرفته و حرام است و ادله قرآنی، روایی و عقلی بر حرمت آن داریم؛ این نوع عملیات را حرام تلقی کرده و حکم به عدم جواز آن داده‌اند.

انتحار از نظر شرعی عبارت است از این‌که کسی، به دلیل حرص دنیوی و طلب مال و یا در حال غضب و ضجر به قصد خودکشی، خود را هلاک کند. کسی که دست به انتحار می‌زند، قصد و انگیزه الهی نمی‌تواند داشته باشد، فرد متحر در مقام دفاع از ایمان و اعتقاد دینی اقدام به این کار نمی‌کند، بلکه عمل او نشانه بی‌ایمانی یا ضعف ایمان است. و با اقدام به خودکشی گناه کبیره مرتکب شده و گرفتار عذاب الهی می‌شود.

علل خودکشی گوناگون است، مسائلی چون از دست دادن مال، از دست دادن آبرو، مرگ همسر، مرگ فرزندان، مرگ والدین، درد و رنج، غضب و عصبانیت، حرص و طمع، شکست در جنگ، شکست در زندگی، قطع یک رابطه عاطفی و غیره می‌تواند از دلایل انتحار باشد.

انتحار به اتفاق همه فقهاء اسلام، حرام است. فقهاء اسلام ضمن تحریم انتحار، حکم به جواز عملیات شهادت طلبانه داده‌اند. درست است که در انتحار و عملیات شهادت طلبانه از جهت این‌که فرد به دست خودش کشته می‌شود تشابه وجود دارد، ولی شرع بین حکم دو چیزی که در ظاهر مثل هم هستند، ولی در نیت و قصد متفاوت هستند، فرق می‌گذارد.

پیامبر اسلام ﷺ می فرماید: «انما الاعمالُ بالنیاتِ وِلکل امریءٍ ما نَوی»، مثلاً اگر کسی قرض بدهد و قرض کننده در زمان پرداخت مقداری اضافه بدهد، بدون این که از قبل شرط شده باشد این کار جایز است. ولی اگر از ابتدا شرط شده باشد که، مقداری اضافه بدهد، آن مقدار اضافی، ربا می باشد و حرام است.

دقت در عملیات شهادت طلبانه و اهداف و انگیزه شهادت طلبانه نشان می دهد که، با انتحار و خودکشی تفاوت اساسی دارد. غفلت از اختلاف اساسی، که میان این دو رفتار و عاملان آن وجود دارد، سبب شده عده ای این عمل مقدس را، با انتحار اشتباه بگیرند.

ه. عملیات استشهادی

اولاً: قصد و انگیزه اقدام کننده اعلاء کلمة الله و دفاع از ایمان، اعتقاد، مقدسات، دین و سرزمین اسلامی است و به همین خاطر، به شرف شهادت نایل می شود.

ثانیاً: هدف مجاهد مسلمان از جنبه شخصی، نیل به فوز عظیم شهادت و سعادت ابدی، و از جنبه اجتماعی، کشتن یا مجروح ساختن دشمن و ضربه زدن به او و ایجاد رعب و وحشت در دل او و روحیه بخشیدن به مسلمانان است.

ثالثاً: چنین شخصی از جنبه فردی، دارای قدرت و قوت روحی، شجاعت، شهامت، ایمان و اعتقاد است، و با آگاهی کامل اقدام به چنین رفتاری می کند.

در حالی که فرد دست به خودکشی می زند، نه قصد و انگیزه اش الهی است و نه در مقام دفاع از ایمان و اعتقاد دینی است؛ بلکه عمل او نشانه بی ایمانی یا ضعف ایمان است و با انجام این عمل گناه کبیره مرتکب شده و گرفتار عذاب الهی می شود و از جنبه اجتماعی نیز کوچک ترین تأثیر در رشد اجتماع یا مقابله با دشمن ندارد.

حامد الگار می گوید: خودکشی ماهیتاً با عملیات شهادت طلبانه فرق دارد.

آیت الله نوری همدانی می گوید: جهاد در راه خدا (منظور عملیات شهادت طلبانه است) با خودکشی موضوعاً و حکماً فرق دارد.

آیت الله مؤمن می گوید: انتحار خودکشی بی جهت شرعی است و عملیات استشهادی ملاک جهاد را دارد.

یوسف قرضاوی در این رابطه می گوید: مفاهیم و ادبیات نام گذاری این عملیات (استشهادی) به نام انتحاری، یک نام گذاری غلط و گمراه کننده است، این نوع عملیات، عملیاتی فداکارانه، قهرمانانه و استشهادی است.

شیخ حمود بن عقلاء شعبی می گوید: قیاس انجام دهنده عملیات شهادت طلبانه، با کسی که خودکشی می کند، قیاس مع الفارق است.

شیخ احمد کفتارو مفتی اعظم سوریه با اشاره، به خطای فاحشی که برخی رسانه های

جمعی، مرتکب شده و این نوع عملیات را انتحاری می‌نامند می‌گوید: میان شهادت طلب و خودکشی، یک دنیا فاصله است، شهادت فضیلتی عظیم و خودکشی رذیلتی بزرگ، هم نزد خدا و هم نزد مردم به شمار می‌رود.

کسی که به دشمن هجوم آورد و سعی و تلاشش تحکیم دین خداست و با استقبال از شهادت می‌خواهد به زندگی ابدی دست پیدا کند، چگونه چنین عملی خودکشی و القاء در تهلکه است؟

ی: تفاوت عملیات استشهادی با عملیات انتحاری

عملیات انتحاری: عبارت است از «اقدام به کشتن دیگران همزمان با قتل خویش» این نوع عملیات که در ظاهر و بعضی اوصاف، شباهت به عملیات استشهادی دارد. اگر دارای ملاک جهاد دفاعی باشد، یعنی برای دفاع از اسلام و مسلمین و دفع تجاوز از بلاد اسلامی و علیه متجاوزان و اشغالگران انجام شود و دیگر شرایط عملیات استشهادی را داشته باشد؛ همان عملیات استشهادی است منتهی، از آن، تعبیر به عملیات انتحاری می‌شود. ولی اگر فاقد ملاک و شرایط مذکور باشد و علیه انسان‌های بی‌گناه و کسانی که نقشی در تجاوز و اشغالگری ندارند انجام شود، نوعی انتحار و خودکشی است و از نظر اسلام گناه کبیره و حرام است و ادله حرمت قتل نفس، شامل آن می‌شود. مثل آنچه سازمان مجاهدین (منافقین) خلق، علیه اهداف دولتی و شهر و ندان ایرانی در طول بیست و پنج سال گذشته انجام داده‌اند، و آنچه بعضی از مسلمانان افراطی اهل سنت، علیه دیگر برادران مسلمان اهل سنت و شیعه انجام داده‌اند و یا عملیات انتحاری علیه احمد شاه مسعود، فرمانده مجاهدین مسلمان افغانی و عملیات انتحاری علیه زائرین امام حسین علیه السلام در محرم سال ۱۳۸۲ ه. ش در شهر کربلا و بعضی شهرهای دیگر عراق و عملیات انتحاری علیه شیعیان در پاکستان.

البته از نظر غربی‌ها و استکبار جهانی و رژیم صهیونیستی، فرقی بین عملیات استشهادی و عملیات انتحاری وجود ندارد، آنها هر دو نوع عملیات را اعمال تروریستی می‌دانند و آن را محکوم می‌کنند، درحالی‌که تفاوت اساسی بین این دو نوع عملیات وجود دارد.